

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۴.۰۶.۱۰

آنچه باید بدانید، از دستگیری تا زندان

مجموعه شماره ۳

هم اکنون که بخش وسیعی از مردم به مبارزه رو در رو با رژیم سرکوبگر و ضدانقلابی جمهوری اسلامی روی آورده اند، مزدوران امنیتی رژیم، با دستگیری های گسترده سعی دارند که چند روزی بر عمر این رژیم ضدانقلابی بیفزایند.

در این نوشته سعی می کنیم به دستگیری، بازجویی، ترفندهای مختلف بازجویی و زندان، اشاره کنیم. تا در صورت دستگیر شدن، تا آنجا که امکان داشته باشد، با این شیوه ها آشنائی داشته باشید.

دستگیری

دستگیری فعالین سیاسی، ممکن است در خانه، خیابان، محل کار و یا تحصیل و در هر ساعتی از شب و روز، در حین جنگ و گریز و تظاهرات، به صورت فردی یا جمعی باشد. آیا هنگام دستگیری باید با دشمن جنگید و یا بدون کمترین مقاومتی تسلیم شد؟ هر کس باید با توجه به جوانب کار و اهمیت فعالیت خود در این مورد تصمیم بگیرد. در نتیجه شیوه برخورد با آن نیز نمی تواند کلی و یکسان باشد. نیروهای امنیتی در بیشتر موارد، برای دستگیری افراد در شب اقدام می کنند، تا بدین وسیله از اصل غافلگیری استفاده کرده، و همچنین مردم عادی از موضوع بی خبر بمانند.

به طور اختصار راه های مبارزه با دشمن را در چنین مواردی توضیح می دهیم.

۱- یک فعال سیاسی باید همیشه آمادگی داشته و احتمال دستگیری خود را داده و پیش بینی های لازم را قبلا به عمل آورده باشد. وسائل و مدارکی را که به آنها نیازی ندارد، به خوبی جاسازی کرده باشد. از نگهداری ایمیل هائی که نیازی به آن ندارد، و یا فایل های نوشتاری و صوتی که مورد نیازش نیست، باید از حافظه کامپیوتر، پاک

شده باشد. البته این نکته را نباید فراموش کرد، که حذف و یا پاک کردن آن از کامپیوتر به این معنی نیست که دیگر قابل دست یابی نباشد. حتما هر از چند گاهی باید کامپیوتر را "فرمت" کرد.

۲- تحرک، سرعت عمل و ابتکار، از خطر غافلگیری می کاهد. همیشه باید راه های فرار مناسب از خانه را از پیش شناخت. و مرتب اطراف محل مسکونی را به دقت بررسی کرد. کسانی که شناخته شده و یا مورد تعقیب نیروهای امنیتی هستند، نباید به مدت طولانی در یک محل اقامت داشته باشند.

۳- درب خانه را هرگز برای ناآشنایان باز نکنید. همانطور که در بالا گفتیم مامورین امنیتی بیشتر شب، برای دستگیری مراجعه می کنند، در این موارد بهتر است چنانچه شخص دیگری (مثلا پدر، مادر، همسر و یا فرزند) در خانه است پشت درب رفته با سؤال و جواب مامورین را معطل کند، و شما از فرصت استفاده کرده مدارک احتمالی را از بین ببرید، و یا در صورتی که تصمیم به فرار دارید، بتوانید از محل دور شوید. همزمان مامورین نیز سعی خواهند داشت با زور وارد خانه شوند، که این موضوع باعث سر و صدا شده در نتیجه همسایگان نیز در جریان قرار خواهند گرفت. و در صورتی که تمام افراد خانواده، دستگیر شوند، خبر توسط همسایه ها پخش خواهد شد.

۴- چنانچه با دیگر فعالان در یک جا گرد هم آمده اید، طبیعتا باید احتیاط بیشتری داشته باشید. در این زمینه می توانید از مناسبت های فامیلی، درسی و یا شغلی استفاده کنید. هیچگونه مدرکی که به عنوان اثر "جرم" قابل استفاده باشد، به همراه نداشته باشید. هنگام ورود و خروج به محل، تا آنجا که ممکن است اصول مخفی کاری را رعایت کنید.

۵- چنانچه طی روز و یا در خیابان دستگیر شدید، در ابتداء، تمامی مدارک، کارت شناسائی و حکم قضائی را از آنها درخواست کنید. و حتما با مامورین درگیر شده و سعی بکنید سر و صدا ایجاد کرده تا مردم رهگذر در جریان قرار بگیرند، در عمل دیده شده است که با ازدحام جمعیت، امکان فرار شما ایجاد می شود.

۶- پس از دستگیری، سریعاً در فکر حمله مجدد و فرار باشید. از محل دستگیری تا مکان بازداشت، ممکن است شرایطی از جمله ازدحام، ترافیک و تصادف به وجود آید، که از آن موقعیت شاید بتوانید استفاده کنید. زیرا مامورین در این شرایط ابتکار عمل را از دست خواهند داد.

۷- چنانچه در اجرای نقشه فرار موفق نشوید، باید سریع و واقع بینانه با اقدامات احتیاطی دیگر، وارد عمل شوید. در صورتی که اطلاعاتی مهمی در رابطه با فعالیت سیاسی دارید، برای مثال میتوانید از داروهائی که برای دفع حمله "صرع" به کار می رود، استفاده کنید، (مثلا فنوباربیتال). کارکرد این دارو بدین گونه است، که تقریباً تا بیست و چهار ساعت، خواب آلودگی شدیدی به همراه دارد. و بدین ترتیب امکان بازجوئی و شکنجه را از مامورین امنیتی خواهد گرفت. و به یاران شما این فرصت داده میشود، که پاکسازی کرده از خطر بگریزند.

یا بر عکس می توانید از داروهای انرژی زا (مثلا آمفی تآمین) استفاده کنید. عمل کرد این دارو بدین گونه است که برای مدتی انرژی بیشتری به شما می دهد، احساس را به خواب، گرسنگی و تشنگی کاهش می دهد. در نتیجه بازجویان از ترفند بی خوابی برای شکنجه شما، نمیتوانند استفاده کنند.

۸- پس از دستگیری، خونسرد، آرام و هوشیار باشید. از آنجا که ممکن است این اولین باری باشد که رو در رو با دشمن قرار گرفته اید، از همان ابتداء جسارت و ایمان انقلابی خود را نشان دهید. این مرحله ی دیگری از مبارزه شما می باشد. از سخن گفتن بیهوده، اجتناب کرده، سعی کنید چهره افراد، اسامی و صحبت هائی که رد و بدل

می شود را به خاطر بسپارید. چنانچه از نام های مستعار استفاده کرده اید، با شنیدن آن، واکنش نشان ندهید. (در این رابطه در جزوه شماره یک بیشتر توضیح داده ایم)

۹- در نخستین ساعات دستگیری از آشامیدن نوشابه های گاز دار و یا چای و همچنین غذاهای پرنمک، خودداری کنید. زیرا اعتمادا به شما داده میشود، تا بعدا برای رفتن به دستشویی، شما را در فشار قرار دهند.

جدا از آنچه در بالا شرح دادیم، ممکن است با استفاده از احضاریه، یک فرد سیاسی (عموما افرادی که به صورت علنی مبارزه می کنند) را به مراجع قضائی یا امنیتی فرا خوانده و او را بازداشت کنند. در این زمینه نیز باید توجه کرد که به احضار تلفنی بهائی داده نشود. طبق قوانین رژیم جمهوری اسلامی، احضار تلفنی فقط از طریق تماس با وکیل "قانونی" به حساب می آید. و در صورتی که احضار کتبی را دریافت داشتید، فقط به مراجع قضائی مراجعه کنید.

بازرسی بدنی

پس از دستگیری، اولین اقدام مامورین بازرسی بدنی میباشد. این عمل در دو مرحله انجام می شود.

۱- جستجوی سریع، که بلافاصله در همان محل دستگیری انجام می شود. که منظور آن بدست آوردن مدارک و سلاح های سرد و گرمی است که ممکن شخص با خود داشته باشد. و گشتن دهان برای جلوگیری از استفاده کپسول "سیانور". البته اگر دستگیری در خانه یا محل کار باشد، جستجوی محل نیز شامل آن می شود، که بعضا ممکن است تا چند روز به طول بینجامد.

۲- جستجوی وسیع، که پس از رسیدن به بازداشتگاه و یا زندان به عمل می آید. که دارای دو هدف است، اولاً، به دست آوردن سرنخ و یا مدارکی که فرد ممکن است در خود پنهان کرده باشد. دوماً، ضبط وسائل شخصی از جمله دفتر یادداشت، تلفن دستی، ساعت، خودکار، فندک و سیگار، کلیدهای همراه و ... و وسائلی که با آن بتوان خودکشی کرد. مثلاً تسمه کمر، عینک، بند کفش و ... سپس از زندانی خواسته می شود، که لیست تهیه شده از وسائل را امضاء کند و در نتیجه به آنچه که به او تعلق دارد، کتبا اعتراف کند، تا بعدا بتوانند در صورت نیاز، از آن در دادگاه علیه زندانی استفاده کنند. در چنین مواردی باید در صورت امکان از امضاء خودداری شود، اگر تحت فشار مجبور به امضا شدید، باید به طوری این امضا را نوشت، که بعدا بتوان آن را انکار کرد. مهمترین مسأله در این رابطه این است، که حتما توجه شود که ورقه تاریخ داشته باشد. زیرا مامورین امنیتی در بسیاری از موارد، تاریخ بازداشت را بعدا و پس از اینکه آثار شکنجه از بین رفته باشد، می گذارند.

بازجویی

هدف از بازجویی در عمل اقرار فرد به اعمالی است که از نظر رژیم خلاف "قانون" می باشد. بازجویی از فعالان سیاسی، با بازجویی از افرادی که برای "جرایم" عادی دستگیر شده اند متفاوت است. هدف مامورین امنیتی رژیم از بازجویی یک فعال سیاسی، وسیله ای برای به دام انداختن، زندانی کردن و کشتن وی است. از این رو، در این مرحله کمترین ضعف و کوچکترین اشتباه فعال سیاسی، می تواند برای خودش و دیگر همزمانش، بهائی گران داشته باشد. آنچه باید در این مرحله بدانید، این است که در ابتداء باید، به شما تفهیم اتهام شده باشد. در غیر این صورت فقط به آنها بگوئید که باید ابتداء توسط یک مرجع یا ضابط قضائی تفهیم اتهام شوید. البته هدف از این کار توهم به "قانون" و "مقررات" رژیم نیست، در واقع شما میتوانیید، بیشتر در رابطه با دستگیری خود فکر کرده و

داستان های پوششی آماده کنید. البته این تفهیم اتهام یک مزیت دیگر نیز دارد، در ادامه بازجویی همیشه می توانید به آن رجوع کرده و به برخی از سوالات پاسخ ندهید و فقط بگوئید، این سؤال ربطی به اتهام من ندارد، در نتیجه من نیز پاسخی برای آن ندارم.

عموما بازجویی به سه طریق انجام می شود. ۱- اعتراف آزادانه. ۲- پرسش و پاسخ. (همان اصطلاحاً سین- جیم) ۳- آمیزه ای از هر دو.

برای پیشبرد طریق اول، بازجو از در مهربانی وارد شده، و خیلی آرام و مثلاً از روی "حسن نیت"، از زندانی میخواد که سابقه فعالیت سیاسی، رابطه با دیگر فعالان سیاسی و ... را آزادانه و مفصلاً توضیح داده، و سعی دارد که زندانی را به پر حرفی بکشاند، زیرا هنگام پر حرفی، همیشه ممکن است ناآگاهانه، مطالبی گفته شود، که علیه دیگران بتوان از آن استفاده کرد.

در طریقه دوم، با توجه به مدارک و یا سر نخ هائی که هنگام دستگیری به دست مامورین افتاده است، از زندانی پرسش می شود و وی نیز باید به سرعت به آنها پاسخ بدهد.

در طریقه سوم، بازجو از فرد دستگیر شده می خواهد که مجدداً داستان خود را تکرار کند و در همان حال حرفش را قطع کرده و تناقض سخنانش را به وی یادآور شده، به سوالات دیگری جهت کسب اطلاعات بیشتر می پردازد. هنگام انتقال به اتاق بازجویی، زندانی را در راهروهای مختلف چرخانده و به چپ و راست می برند، ولی در واقعیت امر، اتاق بازجویی در همان نزدیکی می باشد، و فقط از این طریق می خواهند، زندانی را گیج کرده و ترس را بر او حاکم سازند.

تا اولین بازجویی، از هر زمانی استفاده کرده، در رابطه با فعالیت تا دستگیری خود یک داستان پوششی آماده کنید. و مداوماً این داستان را برای خود تکرار کنید، تا واقعی بودنش برای خود شما نیز مسجل شود. در اولین بازجویی باید همان داستان را ولی خلاصه و مختصر، بنویسید. نوشتن بازجویی نیز نباید تمیز و مرتب باشد. بعد از چند کلمه و یا سطر نوشته شده، روی بخشی از آن را خط خطی کرده و از نو همان جمله را با چند کلمه کم و یا زیاد مجدداً بنویسید. بدین طریق می توانید، وقت کثی کرده و به سوالات اصلی فکر کنید. و در ضمن به بازجو نیز القاء می شود که شما تمرکز ندارید و از خواندن مطالب نیز خسته خواهد شد. آنچه مهم است، شما در هر بازجویی همین روش را ادامه داده و در زیر شکنجه جسمی یا روحی، فقط همان داستان را بازگو کنید.

در ادامه به طور اختصار راه های مبارزه با بازجویان را شرح می دهیم:

- ۱- با توجه به هدف بازجویان، که به دنبال اطلاعات بیشتر هستند، باید کاملاً هوشیار باشید.
- ۲- هرگز گول مهربانی ها و خوشی ظاهری بازجو را نخورید.
- ۳- تا چیزی پرسیده نشده، پاسخ ندهید. و آنگاه نیز ابتداء فکر کرده، بعداً پاسخ دهید.
- ۴- حتی در حاکمیت بی قانون جمهوری اسلامی، فقط یک "متهم سیاسی" هستید.
- ۵- از همان ابتداء سعی کنید، بازجویان، نقاط ضعف و قدرت آنان را بشناسید و در صورت امکان به دیگران منتقل کنید.

۶- از نشان دادن احساسات و عواطف خود (خشم، نگرانی، ترس، شگفتی، تنفر و ...) خودداری کنید. در بخش ترفندهای بازجویی به این موضوع اشاره خواهد شد که چگونه بازجویان در مراحل بعدی بازجویی، با شناخت از این احساسات، از آن بر علیه زندانی استفاده خواهند کرد.

نشانه‌هایی که معمولاً مورد توجه بازجو قرار می‌گیرند، بدین شرح اند:

- لرزیدن، رنگ پریدگی و عرق بر پیشانی = ترس

- سرخ شدن و عرق کردن = شرم و دروغ گوئی

- گشادی چشم و باز شدن ناگهانی دهان = شگفتی و رودست خوردن

- خشک شدن لب و فرو بردن آب دهان = خستگی و ناتوانی

- جویدن لب و ناخن، نفس زدن، فشار دندان‌ها بر روی هم، باز و بسته کردن انگشتان دست، پریدن چشم، لرزیدن چانه، جابجا شدن روی صندلی، پارا روی هم انداختن و برداشتن، آرنجها را به پهلو فشردن = خشم و تنفر و ناراحتی و عدم تعادل

- سر پائین انداختن، خاراندن پیشانی، زانو در بغل گرفتن = پشیمانی و ناامیدی و شکسته شدن نیروی روانی

۷- پاسخ باید محکم، متین و حتی الامکان کوتاه باشد. از حاشیه رفتن و به اصطلاح روده درازی پرهیز شود.

۸- با توجه به پرسش‌های بازجو، سعی شود، به میزان اطلاعات دشمن آگاهی پیدا کرده، و پاسخهای لازم را از قبل در ذهن آماده کرد.

۹- هنگام بازجویی، سعی کنید، سؤال را با سؤال پاسخ داده، نسبت به بعضی از سؤالات اعتراض کنید. با این شیوه، بازجو را به موضع دفاعی انداخته‌وی مجبور به توضیح بیشتر می‌شود، از طرفی دیگر شما وقت بیشتری برای فکر کردن به سؤال دارید. این موضوع را نیز در نظر داشته باشید که بهترین دفاع، حمله است!

۱۰- در حین پاسخ دادن، هرگز از دیگران سخن نگفته، و فقط به زندگی و فعالیت‌های خود بسنده کنید. اطلاعاتی که بیان آنها، ممکن است از نظر شما مسأله‌ای نباشد، می‌تواند برای دیگران مسأله ایجاد کند.

۱۱- اعتراف و یا همکاری دیگر زندانیان نباید تاثیری در روحیه شما گذاشته، لب‌به‌سخن بگشائید. تا آنجا که ممکن است باید پایداری کرده و از دادن اطلاعات پرهیز کنید. حتی اگر مطمئن هستید که بازجو همه چیز را می‌داند، با بیان آنها از طرف شما، فقط به بازجو کمک کرده و کارش را آسان می‌کنید.

۱۲- در صورتی که مثلاً در یک تظاهرات، به صورت دست‌جمعی دستگیر شده‌اید، ممکن است بازجو سؤالاتی از شما بکند، که می‌دانید دیگران بهتر می‌توانسته‌اند، بدان پاسخ بگویند. از این نتیجه بگیرید که هم‌زمانتان، مقاومت کرده و به بازجو پاسخی نداده‌اند.

۱۳- هنگام بازجویی، خودتان را به نادانی مطلق نزنید. دانستن مطالبی که همه می‌دانند و یا کارهایی که برای همگی عادی و معمولی است، "جرم" نیست.

۱۴- هرگز گول نیرنگ، دروغ پردازی و فریبکاری بازجو را نخورید. معمولی‌ترین "بلوف" بازجو این است که، ما همه چیز را می‌دانیم، انکار فایده‌ای ندارد، دیگران همه چیز را گفته‌اند و به زودی آزاد می‌شوند، تو هم بگو و خودت را خلاص کن. در مقابل آن باید پاسخ بدهید که شما که از همه چیز باخبرید، چه احتیاجی است که من چیزی بگویم، وانگهی من کار خلافی نکرده‌ام که به آن اعتراف کنم. فراموش نکنید که این بازجو است که باید ثابت کند، شما کار خلاف "قانون" انجام داده‌اید، نه زندانی!

۱۵- هیچ‌گاه به بازجو و یا دیگر مقامات انتظامی-امنیتی، اعتماد نکنید.

۱۶- در بازجویی، سعی کنید با حاضر جوابی و گفته‌های مستدل خود، بهانه‌جویی بازجویان را نقش بر آب کنید.

۱۷- از دروغ گفتن به بازجویان، نترسید. البته کار ساده‌ای نیست. شما همیشه باید داستان‌های پوششی مناسبی برای دروغ گوئی داشته باشید، که در - صورت کنترل، خلاف آن مشخص نشود. در مراحل بازجویی می‌توانید

قسمتی یا همه صحبت خود را انکار و یا تکذیب کنید، به این صورت که: ۱ منظور من چیز دیگری بود. ۲- من تحت فشار و در وضعیت غیرعادی مجبور شدم دروغ بگویم.

۱۸ - آخرین نکته این است که هیچ گاه به "جرم" اعتراف نکنید. بگذارید تا بازجو خسته شود. "**در بازجویی اصل را بر انکار همه چیز باید گذاشت**".

زندانی در حال بازجویی مانند کسی است که چانه اش را به سرنیزه تکیه داده است. هر چه از او بپرسند باید سرش را بالا بیندازد و "نه" بگوید تا سرنیزه در چانه اش فرو نرود. بر عکس هر بار که "آری" بگوید، سرنیزه در چانه اش بیشتر فرو می رود. "شگردهای مختلف در بازجویی آنچه باید در ابتداء متذکر شویم این است که چگونگی بازجویی و رفتار بازجویان با دستگیرشدگان در مورد تمام بازداشتیان یکسان نیست، بلکه بستگی به فرد بازداشتی و شرایط روز دارد.

روش بازجویی در رابطه با افرادی که برای اولین بار دستگیر میشوند، معمولاً بدین شرح است:

- شیوه های بازجویی.

اولین مرحله کار، "بازجویی" می باشد، یا بهتر بگوئیم، وادار کردن بازداشت شده، به گفتن مطالبی که مقامات امنیتی خواهان شنیدن آن هستند. برای این منظور، ابتداء از در مهربانی و نیک خواهی و تطمیع وارد عمل شده، و از مزایای همکاری و عواقب بد و خطرناک سخن نگفتن، داستان سرائی می کنند. چنانچه در این زمینه به نتیجه نرسند، بر تعداد بازجویان افزوده، و هر یک به نوبت و یا بعضاً با تیم های دوفره ساعت ها با زندانی کلنجار رفته، ضمن استفاده از هر حيله و نیرنگی با فحاشی و دشنام گوئی، از مشت و لگد نیز استفاده می کنند. این شیوه را، تا ۲۴ و گاهی ۴۸ ساعت ادامه می دهند، تا زندانی از فرط خستگی و بی خوابی به کلی ناتوان شده و از پا درآید. این مرحله را چندین بار تکرار کرده و به تدریج بر تهدیدات و سخت گیری ها و شدت ضربات خود می افزایند، و در ضمن بازجویان خشن تر و تازه نفس تری را به کار میگیرند. چنانچه در این مرحله نتوانند مقاومت زندانی را در هم شکنند، مرحله سوم، که همان شکنجه است آغاز میشود.

اما چنانچه فرد بازداشت شده، در ارتباط با گروه های سیاسی باشد، شیوه کار متغیر است، بدین شکل که برای به دست آوردن اطلاعات، مخصوصاً قرارهای تشکیلاتی، از همان ابتداء شکنجه آغاز می شود. در این مرحله حتی ممکن است سؤالی هم از فرد اسیر نشود، فقط شکنجه و شکنجه. در اغلب موارد چندین بار زندانی بی هوش می شود، که مجدداً وی را به هوش آورده و شکنجه را ادامه می دهند. هدف از این مرحله، شکستن روحیه و به هم زدن تمرکز زندانی می باشد.

- روش های ترساندن

بازجویان برای اقرار گرفتن از زندانی با استفاده از شیوه های مختلفی، سعی در ترساندن وی می کنند. که نه تنها شامل حال خودش، که حتی افراد خانواده، دوستان و حتی همکاران وی نیز می باشد. از جمله این روش ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **وصله دروغ بستن**، یا اختلاف افکنی. یکی از شیوه های ساده و مقدماتی برای ترساندن متهم سیاسی، نسبت دروغ دادن و وصله چسباندن به اوست.

بازجویان در چنین مواردی به زندانی می گویند، اگر با ما همکاری نکنی، آبرویت را خواهیم برد، شایع می کنیم که نه تنها اطلاعات خودت را به ما دادی، بلکه باعث لو رفتن دیگران هم شده ای.

زندانی که سخن نگفته باشد، نباید به این حرفها توجه کند. زیرا بالاخره واقعیات برای دیگران مشخص خواهد شد. و کسی این اتهامات را باور نخواهد کرد.

اختلاف افکنی بین زندانیان سیاسی، شگرد مهم بازجویان می باشد. در این روش از روز اول به زندانی گفته می شود، که کار ما با تو تمام شده و نهایتاً یکی دو روز دیگر آزاد می شوی. وقتی روز آزادی فرا می رسد، زندانی را با اتهامات جدیدی مواجه کرده و می گویند، اینها را دوستانت علیه تو اعتراف کرده اند، حال اگر تو هم علیه آنها اعتراف کنی، آزاد می شوی، و این عمل را تا روز آخر بازجویی ادامه میدهند. در این زمینه در ادامه بیشتر توضیح خواهیم داد، که نباید گول بازجویان را خورد.

۲- **اعدام مصنوعی.** در این روش، برای به حرف درآوردن زندانی برای وی، شرایط تیرباران را ایجاد می کنند. از وی خواسته می شود که وصیت نامه خود را نوشته، سپس وی را با چشم بند به میله ای بسته در مقابل جوخه آتش قرار می دهند. یا اینکه با چشمان بسته لوله هفت تیر را بر پیشانی وی قرار می دهند. بهتر است زندانی در این شرایط به این بیندیشد، که اعدام و تیرباران حتی در حکومت بی قانون جمهوری اسلامی نیز دارای مقدماتی است، و این بیشتر صحنه سازی می باشد.

۳- **روبرو کردن.** یکی دیگر از شگردهای بازجویان، ترساندن زندانیان برای روبرو کردن آنان با زندانیانی است که به ادعای بازجویان، هم اکنون تمام اطلاعات خود را در اختیار آنان قرار داده و با دشمن همکاری می کنند. زندانی نیز نباید از این شیوه برخورد، و اهمه داشته باشد. زیرا دو حالت بیشتر نیست، یا دشمن راست می گوید که در آن صورت هنگام روبرو شدن با فرد نادم و گوش دادن به سخنانش می توانید به اطلاعاتی که تا کنون وی به بازجویان داده است، پی ببرید. و البته هر چه در رابطه با شما گفته شد را باید انکار کنید. یا بازجو دروغ می گوید و فقط بلوف زده است. که در این صورت نیز می دانید، همزمانتان در مقابل شکنجه تسلیم نشده و اعترافاتی نداشته اند.

- شکنجه های جسمانی

معمولی ترین روشی که از طرف دژخیمان برای گرفتن اقرار از زندانیان به کار برده می شود، شکنجه است. در باره انواع و اقسام شکنجه ها و نتایج حاصله از آنها مطالب گوناگونی نوشته شده است. ما در اینجا اشاره کوتاهی به یکی از معمولی ترین شیوه های شکنجه، یعنی "کابل زدن" به کف پا، داریم، که تجربه یکی از رفقاه می باشد.

"بعد از اولین کابل خوردن، به محض آمدن به سلول، باید مدتی درجا زد تا ورم کف پا کمی بخوابد. بعد از وسایل موجود در لباس مثل دکمه، زیپ یا یک چیز سفت استفاده کرده و روی آن درجا زد. همچنین از اضافه نان نیز می شود با آب دهان خمیر درست کرده و چیزی شبیه دسته هاون ساخت و روی آن درجا زد. البته چون در سلول ما "گلیم" کلفتی بود، با لوله کردن گلیم روی آن درجا می زدیم. البته در واقع این کار کمی دردآور است، ولی در همان حال می شود به مطلب خود، اتفاقات و شنیده ها در بازجویی فکر کرده درد را از یاد برد. اما فایده درجا زدن از این جهت است که سلول های کف پا کشته شده و پوست پا کلفت و کم احساس می شوند. از طرفی دیگر پوست پاره نشده و از زخم شدن و عفونت آن جلوگیری می شود. و همچنین توان کابل خوردن نیز بالا می رود، کم کم بازجویان خسته و متقاعد می شوند که اطلاعاتی نداری. در ضمن این کارها، باید همواره فراموشی بیرون رو به

خود تلقین کرد. من این عمل را شش ماه ادامه دادم، بدون اینکه حتی اسم یک نفر را بر زبان بیاورم، آنها(بازجویان) راضی شدن که من را ول کنند و پرونده را بسته و به دادگاه بفرستند."

اگر چه بسیاری در زیر شکنجه تسلیم شده اند، ولی نمونه های بیشماری از افراد انقلابی وجود دارد، که سر تسلیم فرو نیاوردند. زیرا ایمان انقلابی در راه اهدافی که برای آن مبارزه می کردند، در این افراد از درد قوی تر بود. هر فرد مبارزی می تواند با تقویت نیروی اراده و ایمان خود به چنین مرحله ای رسیده همچون کوه استوار باشد.

- شکنجه های روانی.

یکی دیگر از روش های شکنجه، شیوه های روانی است که معمولاً مکمل شکنجه های جسمانی می باشد. و بازجویان سعی می کنند از این طریق نیروی پایداری زندانی را در هم شکسته، و در نتیجه با "شستشوی مغزی"، زندانی را به طور کامل در اختیار بگیرند. در این زمینه از شیوه های مختلفی استفاده می شود، از جمله:

۱- **تنها گذاشتن.** بازجو به خوبی می داند که زندانیان وقتی در کنار هم باشند، روحیه شان بیشتر شده و مقاومت شان صدچندان می شود. از اینرو می کوشد تا مدت ها زندانیان را دور از هم نگاه دارد. تا از این طریق حس تنهایی را در زندانی تشدید کرده مقاومت وی را در هم شکند. در این مدت سعی می کند که به زندانی بقبولاند که تنهاست، و هر کاری که بخواهند می توانند با وی بکنند. بهتر است به حرف درآمده و همچون دیگران اعتراف کند تا بتواند به میان جمع برگردد. البته در کنار این تاکتیک بازجو می کوشد با قطع رابطه زندانی با دیگر زندانیان، مانع از ارتباط وی با بیرون از زندان شود.

۲- **نیک خواهی.** یکی دیگر از شیوه های بازجویان، تظاهر به دلسوزی و نیک خواهی نسبت به زندانی است. با وی با صدای نرم و گرم و متناسب با موقعیت اجتماعی وی صحبت کرده و او را "نصیحت" می کنند. زندانی اگر تحصیل کرده باشد، به وی می گویند، بهتر است دنبال مقام و کار باشد، اگر کارگر و زحمتکش است، به وی میگویند، چرا آلت دست دیگران شده و اجازه می دهد که دیگران او را به بازی بگیرند.

۳- **مایوس کردن.** یکی از بزرگ ترین اهداف بازجویان، نا امید و دل سرد کردن مبارزین است. در این راه به مانورهای مختلفی دست می زنند، یا از رهبران سیاسی بد گفته و آنان را به کشورهای خارجی منسوب می کنند، از اختلافات بین جریان های سیاسی، برای زندانیان سخن می رانند و یا قدرت مأمورین امنیتی را در سرکوب جنبش بیش از بیش بزرگ می کنند. و زندانی را در برابر این سؤال قرار می دهند که مثلاً شما چند نفر در برابر این دستگاه بزرگ امنیتی چه می توانید بکنید؟ و به دیگر شیوه های مختلف سعی در مایوس کردن زندانی دارند.

۴- **استفاده از نقاط ضعف.** برای خرد کردن مقاومت زندانی، بازجویان سعی در کشف نقاط ضعف زندانی دارند. از علائق خانوادگی گرفته تا مسائل جنسی. برای بازجو فرقی نمی کند. با ارائه سوالات و یا توهین و افتراء، سعی می کنند، به نقاط ضعف زندانی پی ببرند. مخصوصاً علائق خانوادگی برای بازجویان مهم است. هنگام بازجویی با خانواده تماس تلفنی می گیرند، و از پدر و مادر میخواهند که با گریه و زاری فرزندشان را به اعتراف وادارند. و یا آنها را نیز دستگیر کرده و در مقابل زندانی، دست به شکنجه آنها می زنند.

یکی از زندانیان، دستگیر شده در روز "عاشورا" چنین می گوید:

"اولین ساعات بازداشت، وقتی پدر و مادرم، به جلوی ... آمده بودند، و خواستار اطلاع از محل نگهداری من شدند، همزمان من را به اتاقی در نزدیکی در ورودی انتقال دادند، که من صدای گریه مادرم را از آنجا می شنیدم، که دنبال من می گشت. و بازجویان منکر دستگیری من بودند." وی همچنین ادامه می دهد که: "هنگام بازجویی با خانواده تماس تلفنی گرفته، و به مادرم گفته بودند، حکم آزادی اش صادر شده و فقط باید یک تعهدنامه را امضاء

کند، ولی حاضر به اینکار نیست، شما راضی اش کنید. مادر که از همه جا بی خبر است با فرزندش (تلفنی) صحبت کرده و خواستار امضاء ورقه می شود، در حالی که منظور از بازجو، نه تعهدنامه، بلکه برگه اعتراف از پیش نوشته بوده است."

۵- **بلوف زدن.** یک دستی زدن یکی از معمولی ترین شیوه هاست. به زندانی گفته می شود که از همه چیز با خبرند، فقط بهتر است که خود زندانی به فعالیت هایش اعتراف کند که جرمش کمتر شود. بعضا نیز برای این کار از مطالب و مسائلی که از دیگر زندانیان جسته و گریخته شنیده اند، با زندانی صحبت می کنند و می گویند که ببین ما خیلی چیزها را می دانیم. هر زندانی ممکن است هنگام بازجویی به مسائلی اشاره کند که از نظر خودش اهمیتی ندارد، در حالیکه نمی داند، بازجو از این موارد هم می تواند استفاده کند. به طور مثال یک زندانی در بازجویی می گوید، "که با فرد مورد نظر هفته گذشته، بعد از کار به سینما رفته و بعدا نیز در فلان ساندویچی، غذا خورده اند." بازجو هنگام بازجویی زندانی مورد نظر ما که از بازجویی فرد دیگر اطلاعی ندارد، به وی می گوید: "ما از همه چیز اطلاع داریم، شما مدت هاست که تحت تعقیب هستید، مثلا هفته پیش با فلانی به سینما رفته و پس از آن به فلان مغازه ساندویچی رفتید." بازجو حتی به نوع لباسی که پوشیده بودید و غذایی که خوردید نیز اشاره می کند. و در ادامه می گوید، باز هم می خواهی انکار کنی؟ پس بهتر است که خودت اعتراف بکنی. متاسفانه در خیلی موارد زندانی باور می کند که پلیس همه چیز را می داند، در نتیجه خودش نیز خیلی مسائل دیگر را مطرح می کند. در این موارد زندانی باید به این مسأله فکر بکند، اگر بازجو همه چیز را می داند، چرا از روابط سیاسی مثال نیاورده، بلکه از سینما رفتن و غذا خوردن صحبت می کند.

البته گاهی اوقات بازجو تمعدا به زندانی دروغ میگوید و واکنش زندانی را مورد بررسی قرار می دهد. چنانچه در دام بازجو افتادید، با کتش دادن مطلب ساختگی، شما را به دروغ گوئی بیشتر وادار ساخته، و در همین حال، قدرت حاضر جوابی، نکته سنجی، تیزهوشی، و سرعت انتقال شما را به دست می آورد.

۶- **بل گرفتن.** روش دیگر اعتراف گیری، بررسی واکنش زندانی در برابر کلمات گزیده ای است که از دهان بازجو بیرون می آید. در این روش، بازجو با اخبار و اطلاعات و حدسیاتی که دارد، فهرستی از واژه ها را بیان می کند، و زندانی به مجرد شنیدن هر یک از آنها، نخستین کلمه ای را که به ذهنش می رسد، باید بیان کند. چنانچه در مقابل هر واژه زندانی بیش از چند ثانیه تردید کند، برای بازجو نشان از دروغ گوئی است. در نتیجه بازجو پرسش های بعدی خود را طوری بیان می کند که از همان نقطه ضعف، سرخ های بیشتری بدست آورد.

۷- **داروهای شیمیایی.** بازجو سعی می کند با استفاده از نقاط ضعف زندانی، و ناآگاهی از حقایق پزشکی، داستان هائی در رابطه با "داروهای راستگوئی" برای زندانی بیان کند. و در واقع از قبل به زندانی اینطور تلقین می کنند، که با استفاده از این دارو، بدون هیچگونه مقاومتی، زندانی لب به سخن خواهد گفت. حتی ممکن است، داروئی(مخدر) که کمی برای زندانی حالت گیج کننده داشته باشد، استفاده کنند.

در این روش، در واقع دو عامل "یادآوری" و "نیرو" در مقابل هم قرار می گیرند. تلقین کننده(بازجو) و تلقین شونده(زندانی). تا خود تلقین شونده نخواهد و آمادگی نداشته باشد، هیچ تلقین کننده ای نمی تواند در روحیه و نیروی اراده وی تاثیر کند. "اسکوپولامین" و یا داروهای دیگر، هیچ تاثیری در نیروی دفاعی و یا قدرت حافظه و بیان شخص ندارد. تنها یک حالت سستی و تخدیر و خلسه ماندندی در برخی از افراد ایجاد می کند. بازجو از قبل، سعی می کند به زندانی تلقین کند که با این تزریق، زندانی به حرف خواهد آمد، و پس از استفاده نیز، مرتب این موضوع را مطرح می کند، و هم زمان مطالبی را که می داند، بازگو میکند، تا به زندانی تلقین شود که همه چیز را میداند،

پس بهتر است خودش بقیه صحبت را ادامه دهد. حتی مواردی دیده شده است، که افرادی با ضعف اراده و تلقین پذیر با چند قطره آب مقطر و یا قرص تقویتی، که با آب معمولی به آنها داده شده است. تحت تلقین شروع به صحبت کرده اند.

در چنین مواردی بهتر است بدین شکل عمل شود:

الف- کار پزشک را دشوار نموده، با تکان دادن دست از تزریق جلوگیری شود. و یا در حین تزریق دست را بیچانده، و پزشک از ترس شکستن سوزن، سرنگ را خارج خواهد کرد، در نتیجه از حد لازم کمتر تزریق خواهد شد. و بالنتیجه نمی تواند به مرز مطلوب "شکستن اراده" رسیده، و بازجو تلقینات خود را آغاز کند.

ب- سکوت کامل. پزشک از شما خواهد خواست که شروع به شمارش اعداد کنید و یا به برخی از سوالات وی، پاسخ دهید، پس از آن نوبت بازجو است که ابتکار عمل را بدست بگیرد. پس خونسردی را حفظ کرده و هیچ صدا و یا نشانه ای که از خواب آلودگی شماست، از خود بروز نداده، افکار خود را متوجه چیزهای دیگر نکنید. حتی در ابتدای "بیهوشی" می توانید با شل کردن زبان خود، هنگام شمردن، خود را به بیهوشی بزنید.

این نکته مهم را فراموش نکنید، اگر واقعا چنین دارویی وجود داشته باشد، نه تنها در ایران، بلکه در تمام جهان، دیگر به شکنجه های قرون وسطائی احتیاجی نیست و به هر زندانی می توان همین دارو را داد و تمام مسائل و اطلاعات را به دست آورد!

۸- **دروغ سنج.** در بعضی از موارد، بازجویان با استفاده از دستگاه دروغ سنج (پلی گراف) کمک می گیرند. در این روش در ابتداء سوالات معمولی از زندانی می شود، و زندانی باید با "بله" یا "نه"، پاسخ بدهد. و در ضمن واکنش های طبیعی بدن، مثل فشار خون، ضربان قلب، عرق کردن و ... اندازه گیری می شود. و در بین سوالات، نیز در رابطه با فعالیت سیاسی سوالاتی مطرح می شود. در پایان، بازجو پاسخ های داده شد و نتیجه آزمایش را مورد بررسی قرار می دهد.

برای مقابله با این روش می توانید به یکی از اشکال زیر عمل کنید.

الف- هرگز پاسخی، به سوالات ندهید.

ب- به تمامی سوالات، صراحتاً از نوع آن، دروغ بگوئید.

ج- به سوالات، به تناوب یکی در میان، پاسخ "بله" و "نه" بگوئید.

۹- **دهلیز ارواح.** این نامی است که زندانیان بر شب های اوین گذاشته اند. نیمه شب ها در زندان، به ناگاه فریاد جیغ های دلهره انگیز و فریاد ناله بلند می شود. البته در واقع این ها نوار هستند، که از روی واقعیت ها ضبط شده اند. در هنگام شکنجه، بازجویان صداها را ضبط می کنند. و بعداً شب ها برای ترسانیدن زندانیان آنها را با صدای بلند پخش می کنند. عموم زندانیان، مخصوصاً آنها که هنوز در طی مراحل بازجویی هستند، فکر می کنند که هم اکنون دیگر هم بندهانشان در حال بازجویی و شکنجه هستند.

۱۰- **تلقین.** روش دیگری که به منظور ترساندن زندانی، به کار می برند، تلقین است، این عمل از همان آغاز دستگیری و بدون وقفه و با اشکال مختلف یا با تکرار جملات فریبنده و یا تهدیدآمیز، ادامه پیدا می کند. تا زمانی که نیروی مقاومت زندانی در هم شکسته شود.

۱۱- **تکرار.** در این روش، بازجو به دقت به پاسخ زندانی، در مقابل سؤال گوش می دهد و سپس هم سؤال و هم جواب را به کرات تکرار می کند. در ادامه، این کار را با هر سؤال بعدی انجام می دهد، تا زمانی که زندانی چنان خسته شود، که برای خلاص شدن از یکنواختی، به پرسش ها، دقیق و کامل جواب دهد. در این روش از بازجویی،

معمولاً از چند بازجو استفاده شده و مکالمات نیز ضبط شده، که تمام بازجویان در جریان قرار بگیرند. بهترین شیوه مبارزه با این نوع بازجویی، کنترل بر اعصاب می باشد، در ضمن هنگامی که بازجو در حال تکرار است، می توان مجدداً بر اعصاب مسلط شده، و برای جواب بعدی خود را آماده کرد.

۱۲ - **شلیک سریع**. در این روش از یک تاکتیک روان شناختی استفاده می شود، مبنی بر این اصل که همه دوست دارند زمانی که صحبت می کنند، شنیده شوند و قطع کردن صحبت و یا فهم نادرست مطلب از طریق طرح سؤالی نامربوط گیج کننده است. به زبانی دیگر بازجو مجموعه ای از سؤالات را به طریقی مطرح می کند که زندانی فرصت پاسخ گفتن کامل به یک سؤال را پیش از طرح پرسش بعدی ندارد. این مسأله زندانی را گیج می کند و او به تناقض می افتد، زیرا فرصت کمی برای آماده کردن جواب هایش دارد. در ادامه بازجو، زندانی را در مقابل تناقضاتش قرار می دهد، که این خود به تناقضات بیشتر منجر می شود. در نتیجه در بعضی موارد زندانی برای اصلاح حرف خود شروع به صحبت کرده، و بیش از مورد نیاز به اطلاعات بازجو، کمک می شود. در این روش نیز از چند بازجو استفاده می شود. و عموماً در لحظات اولیه دستگیری که زندانی هنوز در "گیجی" به سر می برد، از آن استفاده می شود. مشکل بازجویان در این مورد این است که سؤالات را باید قبل از بازجویی آماده کرده، اطلاعات کامل از پرونده زندانی داشته، و با تجربه باشند. بهترین شیوه برخورد با این شیوه، تسلط کامل به اعصاب و دادن پاسخ های کوتاه، و سؤال را به سؤال پاسخ دادن (برای فکر کردن در رابطه با سؤال) است.

۱۳ - **حمله به غرور و شخصیت**. در این روش، ارزش شخصیتی زندانی مورد حمله قرار می گیرد. هدف بازجو حمله به غرور زندانی از طریق حمله به وفاداری، توانایی، هوش، ظاهر نامرتب، یا هر ضعف دیگر است. چنانچه زندانی نیز از نظر روحی فردی ضعیف باشد، تحریک شده و در وضعیت دفاعی قرار گرفته، و سعی می کند که بازجو را متقاعد کند، که آدم مهمی است. همانگونه که قبلاً نیز گفته ایم، نباید این امکان را به بازجویان داد که نقاط ضعف و قوت زندانی را بشناسند. بهترین راه مبارزه عدم دفاع است. باید حرف بازجو را ملاک قرار داده و تأکید کرد که اشتباهی دستگیر شده، و حتی ارزش دستگیری نیز نداشته است. اگر این روش، برای بازجو موفقیت آمیز نباشد، برایش یک بن بست بزرگ است، زیرا اعتبار خود را در واقع از دست داده، نمی تواند شیوه دیگر بازجویی را در پیش بگیرد.

۱۴ - **سکوت**. در این روش، که در مقابل افراد عصبی و پر تحرک به کار گرفته می شود، بازجو هیچ صحبتی نکرده، فقط با چشم هایش خیره شده، لبخند تحقیرآمیزی بر چهره دارد. اگر چه برگرداندن نگاه از شخص اهمیتی ندارد، ولی مهم این است که تماس چشمی را ابتداءً زندانی، قطع کند. در ادامه فرد عصبی شده و در صندلی مرتب جابه جا می شود. حتی ممکن است زندانی شروع به پرسیدن سؤال بکند. اما بازجو تا زمانش نرسیده باشد، صحبتی نخواهد کرد. پس از آن ممکن است بازجو با لحنی بی علاقه تعدادی سؤال را مطرح کند. این شیوه بازجویی، تا زمانی که مشخص شود، موفق نیست، ممکن است ادامه پیدا بکند. البته در این روش بازجو نیز باید فردی صبور باشد.

جانباخته "شیرین علم هولی" در نامه ای که به بیرون از زندان ارسال داشته بود، در این زمینه می نویسد: "... تمام روز مرا در اتاق بازجویی سرپا نگه می داشتند، بدون هیچ سؤالی، فقط بازجویان می نشستند و جدول حل می کردند."

۱۵ - **عاطفی**. روش عاطفی، منطق زندانی را در برابر مقاومت، با دستکاری و استفاده از عواطف فرد علیه خودش، تحلیل می برد. عواطف اصلی زندانی در زمان دستگیری ممکن است عشق و یا ترس باشد. این عشق و یا

ترس، ممکن است به نفرت نسبت به فرد دیگری تغییر یابد و به کار افتد. برای تحلیل بردن بخش منطقی فرد، ترس را می توان ایجاد کرد و یا افزایش داد. به اقتضای موقعیت، یا چنانچه ترس فرد تحت بازجویی بسیار زیاد باشد، که نتواند بازجو باوی ارتباط برقرار کند، بازجو در صدد برمی آید، که ترس زندانی را کاهش داده، و کم کم اطلاعات موثری را از وی به دست آورد. در این روش، حتی ممکن است، زندانی به بازجو از نظر عاطفی علاقه مند شود.

زندانی

مرحله دیگر، که در حقیقت از همان نخستین ساعات دستگیری فعال سیاسی آغاز می گردد، زندان رفتن است. چهار دیواری زندان، بوته آزمایش یک فعال سیاسی می باشد. در این جا، نیروی روانی، هوشیاری و بردباری فرد زندانی آزمایش می شود. و در همین جا است که دشمن با استفاده از تمام نیرنگ ها، و شکنجه های طاقت فرسا، سعی در هم شکستن زندانی دارد. به نظر روانشناسان، آنچه زندانی را می شکنند و خرد می کند، اراده خود وی است، و گر نه شکنجه فقط وسیله است. اگر زندانی واقعا بخواهد مقاومت کند، بدن و اعصاب وی پیروز بوده، شکست نخواهد خورد. منظور بازجو از شکنجه به دست آوردن اطلاعات است، از این رو همیشه در تلاش است که زندانی، زنده بماند.

اگر چه زندان های رژیم جمهوری اسلامی، و شیوه برخورد با زندانیان سیاسی، متفاوت است، در ادامه ما شیوه های کلی مبارزه با زندانبانان، و راه های مقاومت در زندان را به اختصار شرح می دهیم.

۱- نخستین و در عین حال فوری ترین وظیفه زندانی این است که ببیند چرا به دام افتاده، و چگونه می تواند دیگر همزمان خود را از لو رفتن و گرفتار شدن، محافظت کند. نتیجه و بررسی این موضوع را در حالی که امکان داشته باشد، باید سریعا به بیرون از زندان منتقل کند. با تمام مشکلات و دشواری ها، زندانی باید همیشه در صدد ارتباط با دنیای بیرون از زندان بوده، اخبار و اطلاعات را به بیرون منتقل کند.

۲- در زندان، نیز اصول مرزبندی و مخفی کاری را کاملا رعایت کرده و هرگز از اطلاعات مربوط به فعالیت خود، با دیگران صحبت نکند. حتی اگر به دیگر زندانیان اطمینان هم دارد، نیازی نیست که این مسائل را بازگو کند. این نکته را نیز باید در نظر داشت که همواره نیروهای نفوذی دشمن، در میان زندانیان وجود دارند. چنانچه، به فردی در این زمینه مشکوک شدید، مسأله را به زبان نیاورید، بلکه بکوشید وی را به بازی گرفته، با پرسش های خودسرانه و ظاهرا ساده، از مقاصد و چگونگی روابط وی با زندانبانان اطلاع حاصل کنید. تنها هنگامی که واقعا از نفوذی بودن وی مطمئن شده اید، مسأله را به دیگر افراد مطمئن در میان بگذارید.

۳- یکی دیگر از وظائف مهم، شناختن بازجویان، و دقت در جزئیات امور زندان می باشد. سعی کنید، نام بازجویان (واقعی یا مستعار)، مشخصات چهره و اندام، طرز گفتار (لهجه)، روحیات و رفتار آنها را به دست آورده، بعدا از راه هائی که امکان داشته باشد به خارج از زندان، بفرستید. همچنین اطلاعاتی در رابطه با زندان از جمله: تعداد زندانیان و زندانبانان، نگهبانان، بازجویان، ساعات عوض شدن آنها، اقدامات حفاظتی و شدت و ضعف آن در ساعات روز و ... به دست آورید. در بعضی مواقع تغییر در این موارد گفته شده میتواند، نشان از تغییرات در بیرون از زندان باشد.

۴- با زندانبانان، وارد بحث و جدل نشوید. در مجموع، آنها افرادی پرعقده، کم سواد و ساده لوح اند و شعور سیاسی ندارند. به آنان چنین فهمانده شده است، که زندانیان سیاسی، همگی "خائن"، "جاسوس"، "ضد ایرانی"، "لامذهب"، "کمونیست"، "دزد و آدمکش"، "بی ناموس" و ... هستند.

۵- در بسیاری از اوقات، مسئولین زندان، برای در فشار گذاشتن و تحقیر فعالان سیاسی، زندانیان سیاسی را به بندهای مجرمین معمولی منتقل می کنند.

این ترفند رژیم را باید علیه خود آنان استفاده کرد. زندانیان عادی، خود از محروم ترین قربانیان اجتماع بوده و از بسیاری مسائل بی اطلاع می باشند. در این جا به خوبی می توان به روشنگری پرداخت، و ضمن به دست آوردن سمپاتی آنها، از امکاناتی که برخوردارند، از جمله ملاقات، استفاده کرده و با بیرون تماس برقرار کرد.

۶- در زندان، وقت را بیهوده نگذرانید. با یک برنامه ریزی، در صورتی که امکان باشد، ورزش جمعی را سامان دهید. در غیر اینصورت طبق یک برنامه معین، بخشی از وقت خود را به ورزش اختصاص دهید. چنانچه دسترسی به کتاب باشد، مطالعه را نیز در دستور کار بگذارید. سعی کنید با دیگر همزمان ارتباط برقرار کرده، اخبار و اطلاعات را رد و بدل کنید. با این روش روحیه خود و دیگر همزمان را تقویت کنید. یکی از راه های ارتباط گیری زدن "مورس" می باشد. در اینجا به طور اختصار شیوه یادگیری زبان "مورس" را شرح می دهیم. با کمی تمرین می توانید آنرا آموخته، و

به دیگران یاد دهید. این شیوه ارتباط گیری بسیار لازم و مفید است، بهترین نمونه آن: در سال ۱۳۶۷، هنگامی که دستور کشتار زندانیان توسط خمینی، صادر شد. تعدادی از زندانیان که از دادگاه های مرگ چند دقیقه ای و کشتار زندانیان با اطلاع شده بودند، سریعاً توسط "مورس" زدن و اطلاع دادن به دیگر بندها، جان عده زیادی را نجات دادند.

شیوه کار برای زدن مورس بدین شرح می باشد:

سی و دو حرف فارسی، با همان ترتیبی که دارند، به چهار دسته هشت حرفی تقسیم می شوند. هر دسته هشت حرفی یک ردیف را تشکیل می دهد و چهار ردیفی که به این شکل درست می شوند به ترتیب زیر هم قرار می گیرند:

۱- ا ب پ ت ث ج چ ح

۲- خ ذ ز ژ س ش

۳- ص ض ط ظ ع غ ف ق

۴- ک گ ل م ن و ه ی

به هنگام زدن مورس، فرستنده پیام، با زدن دو ضربه ممتد، به ازای هر ردیف، شماره ستون را مشخص می کند و ضربه های بعد شماره حرف را در ستون. مثلاً، برای مخابره کلمه خطر، دو بار دو ضربه پیاپی زده می شود، یعنی ستون دوم، کمی مکث، سپس یک ضربه زده میشود،

یعنی خ. و ادامه آن: دو- یک (خ) دو بار دو ضربه ممتد - یک ضربه

سه- سه (ط) سه بار دو ضربه ممتد - سه ضربه با فاصله

دو- چهار (ر) دو بار دو ضربه ممتد - چهار ضربه با فاصله

البته برای استفاده از این شیوه باید ساعتی را انتخاب کرد، که مامورین در بندها، نباشند. و از قبل نیز برای علامت سلامتی و یا شروع "مورس" قراری با دیگران گذاشت.

۷- مبارزه با تنهایی، یکی از دشواری های بزرگ در زندان است. البته برای آنانی که در سلول های عمومی هستند، این مشکل زیاد بزرگ دیده نمی شود. اما برای مبارزینی که در سلول انفرادی به سر می برند، این یک مشکل بزرگ است. که نیاز به یک برنامه ریزی برای "وقت کشی" می باشد.

مبارزه با تنهائی دو شکل دارد. "درونی" و "بیرونی". مقصود از مبارزه درونی، مشغول نگاهداشتن ذهن است، که ذهن، کمتر به مسائل زندان، متمرکز شود. برای اینکار، در صورتی که موجود باشد، می توان مطالعه کرد، در تفکرات سیاسی، اجتماعی، فلسفی، غرق شد و یا خاطرات گذشته، اشعار، داستان هائی که خوانده اید و ... را مرور کرد. تلقین به خود به منظور مبارزه با گرسنگی، تشنگی، سرما و گرما نیز از جمله دیگر افکار می باشد.

منظور از مبارزه بیرونی، فعالیت های جسمی و غیر فکری می باشد. که مهم ترین آنها، ورزش های ساده، قدم زدن و حرکات نرمشی و یوگا است. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که، دویدن، قدم زدن در یک مسیر دایره ئی شکل انسان را سریعاً خسته می کند، از این رو مسیر سه گوش و یا چهار گوش را انتخاب کنید.

روزشماری، نه تنها مهم است که متواند به عنوان یک سرگرمی نیز حساب شود. انواع دیگر "وقت کشی"، کنجکاوی در رابطه با زندانبانان، دقت در جزئیات امور، خواندن سرود، ساختن اشکال از خمیر نان، تمیز کاری، و حتی کشادان به کارهای روزانه مثلاً آهسته غذا خوردن و ... می باشد.

۸- از تهدیدات، داد و فریاد زندانبانان نترسید. این نشانه ضعف و احساس حقارت آنها می باشد.

۹- یکی از نیرنگ های زندانبانان این می باشد، گاهی اخبار نادرستی را به وسیله نیروهای درونی خود در زندان پخش کرده، تا واکنش زندانبانان را دیده، بر حسب آنها سرنخ های جدیدی به دست آورده و یا روحیه یأس و ناامیدی را در زندانبانان ایجاد کنند. در نتیجه باید کاملاً هوشیار و مراقب باشید و عکس العمل محسوسی از خود نشان ندهید. گفته می شود، پس از ۲۵ خرداد ۱۳۸۸ حتی برخی از روزنامه های سراسری را با اخبار جعلی چاپ و در زندان پخش کرده بودند.

۱۰- هر وقت زیر شکنجه قرار می گیرید، سعی کنید افکار خود را با لجاجت و تلقینات روانی، بر چیزهای دیگر متمرکز کنید. در اینصورت درد شکنجه را کمتر حس خواهید کرد. پس از آن نیز بدن شما خودش به اصطلاح "گرخت" شده، دیگر درد را احساس نخواهید کرد.

۱۱- هنگامی که چند تن از زندانبانان شما را احاطه کرده، زیر مشت و لگد قرار میدهند، سعی کنید نقاط آسیب پذیر را محافظت کنید. برای این منظور، نخست پاهای خود را بر روی شکم جمع کرده و سر خود را در حالیکه بسینه می چسبانید، با دست های خود بپوشانید. البته بهتر است پس از چند لحظه خود را به ضعف و اصطلاحاً "موش مردگی" بزنید. در این صورت حس درنده خوئی و مردم آزاری دژخیمان ارضاء شده، دست از شما برخواهند داشت.

۱۲- تا می توانید و جان در بدن دارید، پایداری کنید و مطمئن باشید، هر دقیقه از مقاومت شما در خسته کردن و تضعیف روحیه دشمن تاثیر فراوانی دارد. فشار و شکنجه دشمن تا زمانی ادامه دارد، که به شکستن نیروی اراده و گرفتن اعتراف از فعال زندانی امیدوار باشد.

۱۳- در زندان ممکن است مدتی طولانی در انفرادی به سر ببرید. باید خود را مشغول نگه دارید و نگذارید حس تنهائی و شکست بر شما غلبه کند.

ورزش روزانه را حتما در دستور کار قرار دهید. بعضی مواقع از طرف بازجو، ورزش کردن ممنوع می شود. و اگر ورزش کرده باشید، بازجو از بوی عرق بدن متوجه خواهد شد. برای رفع این مشکل، هنگامی که به دستشویی می روید، لباس ضخیم یا حوله با خود برده و آنرا خیس و مرطوب کنید. سپس در موقع ورزش (در سلول) مرتباً خود را با آن خنک و خشک کرده از بوی عرق بدن جلوگیری می شود. بدین وسیله به بازجو رودست زده و ورزش مخفی "لو" نمی رود. همچنین می توانید با جویدن باقی مانده نان، خمیر درست کنید. سپس با خمیر گلوله

های کوچکی درست کرده و بگذارید تا خشک شود. بعداً با این گلوله های کوچک می توانید، شعر و مطلب و مسائل دیگر را در کف سلول نوشت و یا نقاشی کرد.

۱۴ - اهمیت و لزوم امیدواری فعالان سیاسی نسبت به آینده مبارزه، بسیار مهم است، و در دوران زندان می تواند، شرایط طاقت فرسای زندان را برای زندانی، سهل و آسان کند. گفته می شود، یکی از مبارزان را هنگامی که برای اعدام می بردند، به هم بندان خود گفت: "هنوز در اندیشه فرار است و امیدوار، چون شاید تمام گلوله های مزدوران به خطا برود

جمع آوری و تهیه شده توسط سایت جوخه های رزمی
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با ما در میان بگذارید
jokhe.info@gmail.com